

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۷

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی دختران فراری با والدین آنها

دکتر فریده حمیدی*

چکیده

جامعه آماری این پژوهش را مجموع دختران فراری ۲۲-۱۴ سال مراجعه کننده به مراکز وابسته به بهزیستی، کانون اصلاح و تربیت و مجتمع قضایی ارشاد تشکیل می‌دهد. ۵۰ نفر از مراجعه کنندگان به این مراکز همراه والدین آنها (۲۵ مادر و ۲۲ پدر) به روش نمونه گیری هدفمند مورد آزمون قرار گرفتند. در این پژوهش از مقیاس بازننگری شده کولینز و رید (۱۹۹۰)، RAAS، پرسشنامه دموگرافیک و مصاحبه بالینی استفاده شده است. پس از جمع آوری اطلاعات، از روش آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ...) و آمار استنباطی (آزمون Z برای مقایسه نسبت‌ها، ضریب همبستگی توافقی و مجذور کای) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

- بیشترین درصد سبک دلبستگی دختران فراری، مربوط به سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا (۶۲٪) است در حالی که تقریباً نیمی از مادران آنها دارای سبک دلبستگی ایمن (۴۸٪) و نیمی دیگر دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا (۴۴٪) هستند. سبک دلبستگی غالب در پدران نیز ناایمن اجتنابی (۶۳٪) است.

- بین سبک دلبستگی دختران فراری با سبک دلبستگی مادرانشان ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر اکثر دختران فراری با سبک دلبستگی ناایمن دارای مادران ناایمن هستند و در مقابل دختران ایمن دارای مادرانی با سبک دلبستگی ایمن هستند.

- بین سبک دلبستگی دختران فراری با سبک دلبستگی پدرانشان ارتباط معناداری وجود ندارد.

کلید واژگان:

نقش مادری، سبک دلبستگی، اختلال دلبستگی RAD، آسیب‌های اجتماعی.

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

مقدمه

برای اکثریت مردم جهان، نقش مادری یادآور انواع عواطف و هیجان‌های مطبوع شامل گرمی، عشق و محبت، مهرورزی، تحمل و شکیبایی، وظیفه و مسئولیت، ایثار و فداکاری و ... است. تأکید بر شکوه و عظمت مادری، در ذهن بیشتر افراد جوامع و فرهنگ‌های گوناگون به شدت جا افتاده و نقش بسته است و از نقش قدرتمند مادری، در میان جوامع شرق و غرب، سیاه و سفید با احترام یاد می‌شود. از طرف دیگر این نقش می‌تواند حامل پیام‌های متضادی از خوبی و بدی، تنش‌زایی و پاداش‌دهندگی نیز باشد. از این رو گاهی از "نقش مادری" به عنوان نقش القاکننده اضطراب و نگرانی یا سلطه‌گری نیز یاد می‌شود. مادر همچون الگویی عملی، کیفیت پیوندهای عاطفی و نحوه تبادلات این پیوندها را به عنوان "دلبستگی" به فرزند خود می‌آموزد. دلبستگی یا پیوند عاطفی بین کودک - مادر، تعیین‌کننده بهداشت و سلامت روانی فرد است. (بالی^۱، ۱۹۸۹)

نوع سبک دلبستگی^۲ یکی از مهمترین عوامل مؤثر در تعاملات بین فردی است، که در دوران کودکی فرد شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است، در سنین بعدی ادامه می‌یابد. از مشخصه این رابطه جوارجویی^۳ (تقرب) است که در کودکی تحت تأثیر جدایی از نگاره دلبستگی و بعدها بر اثر تهدید، بیماری یا خستگی فعال می‌شود. دلبستگی به "پدیده پایگاه ایمن"^۴ منتهی می‌شود. "احساس ایمنی" و "رفتار اکتشافی" ره‌آورد دلبستگی ایمن و مجاورت

1-Bowlby, y.

2 -Attsachment style

3 -Proximity seeking

1 - Secure Base Phenomenon

انگاره دلبستگی در ایام طفولیت و اوایل کودکی است. آینسورث^۱، (۱۹۸۹) با ابداع آزمایش موقعیت ناآشنا به منزله تجربه نظریه دلبستگی، سه سبک دلبستگی کودک- مادر را شناسایی کرد. این سه سبک عبارت‌اند از دلبستگی ایمن^۲، دلبستگی نا ایمن اجتنابی^۳ و دلبستگی نا ایمن دوسوگرا^۴. کودکان ایمن بیشتر اهل معاشرتند، آزادانه با همسالان تعامل دارند و در مقایسه با همتاهاى ناایمن‌شان به‌گونه‌ای مناسب‌تر کمک می‌طلبند. اجتناب‌گرها انزوطلبند و طغیان‌های پرخاشگری بی‌جهت نشان می‌دهند، در حالی که دو سوگراها به معلم تمسک می‌جویند و در بازی فعل پذیرترند. (همز، ۱۹۹۳)

مشخصه‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین شخصی عمیقاً از الگوی دلبستگی اشخاص تأثیر می‌پذیرد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن با مشخصه‌های ارتباطی مثبت مثل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی ناایمن اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد، و دلبستگی نا ایمن دوسوگرا با شور و هیجان و اشتغال ذهنی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، در ارتباطات بین فردی خود را نمایان می‌سازند. (فنی ونولر^۵، ۱۹۹۰)

2 -Ainsworth, M.

3 -Secure Attachment

4 -Insecure- Avoidant Attachment

5 -Insecure – Ambivalant Attachment

6 -Feeny, J.A. & Noller, P.

به نظر می رسد که دلبستگی دوران کودکی روابط بعدی را در زندگی به سه صورت تحت تأثیر قرار می دهد: اول این که امنیت دوران کودکی بطور اساسی با منابع دلبستگی که از کودک مراقبت می کنند، مرتبط است و رابطه احساس امنیت با منابع دلبستگی در سراسر زندگی ادامه می یابد. دوم این که ماهیت خاص تجربه دلبستگی کودک به طور عمیقی، اطمینان یا اضطراب، اعتماد یا دوگانگی عاطفی در رابطه با نزدیک شدن به منابع دلبستگی در دوران بعدی زندگی را تحت تأثیر قرار می دهد. سوم اینکه همزمان با ارضای نیازهای دلبستگی، مشخصه های ارتباطی مانند ماهیت قدرت، کنترل، قابل پیش بینی بودن و نظم و بی نظمی آموخته می شوند و سپس به انواع دیگر تعمیم می یابند (ماریس، ۱۹۹۶، به نقل از رضازاده، ۱۳۸۱)

یکی از مهمترین مشکلاتی که در خصوص دلبستگی کودک - مادر (یا انگاره دلبستگی) در دوران کودکی فرد ایجاد می شود، اختلال دلبستگی واکنشی شیرخواری یا اوایل کودکی "RAD" است که معمولاً پیش از سن ۵ سالگی در کودکان ظاهر می شود. این اختلال به طور عمده از فقدان مهارت های فرزندپروری یا فقدان امکانات برای یادگیری رفتار مراقبت از فرزند، پدر یا مادر شدن زودرس (اوایل یا اواسط نوجوانی) که طی آن والدین قادر به توجه به نیازهای شیرخوار و پاسخ دادن به آنها نیستند و معمولاً نیازهای خودشان بر نیازهای کودک تقدم می یابد، تغییر مکرر مراقب اولیه (به گونه ای که در پرورشگاه ها روی می دهد)، بستری شدن های مکرر و طولانی مادر یا کودک که به جدایی زودرس کودک از مادر می انجامد، ناشی می شود و قرارگیری کودک در چندین خانه با والدین رضاعی نیز ممکن است موجب پیدایش اختلال دلبستگی واکنشی شیرخواری یا اوایل کودکی شود: (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۸)

این اختلال دو نوع فرعی دارد:

۱- نوع مهار شده، که در آن فرد به طور مداوم قادر نیست به نحوی که از لحاظ تحولی طبیعی باشد اکثر تعاملات اجتماعی را شروع یا در برابر آنها پاسخ مناسبی بدهد.

۲- نوع مهار گسیخته، که در آن وابستگی تمایز نیافته و غیر انتخابی اجتماعی دیده می‌شود.

اختلال دلبستگی واکنشی شیرخواری و یا سبک‌های دلبستگی ناایمن دوران کودکی می‌تواند در طول زندگی فرد باقی مانده و تعاملات اجتماعی او را در بزرگسالی به گونه ای منفی تحت تأثیر خود قرار دهد.

لفرنییر^۱ و سروف^۲ (۱۹۸۵) در «بررسی ارتباط بین صلاحیت اجتماعی همسالان و تاریخچه دلبستگی آنها در دوران پیش دبستانی» به این نتیجه رسیدند که بچه‌های دارای دلبستگی ناایمن دوسوگرا، در تسلط و مشارکت اجتماعی توانایی کمتری دارند. در مجموع نیز پسران ناایمن نسبت به دختران ناایمن، از نظر اجتماعی آسیب‌پذیرترند. دختران با دلبستگی ایمن از صلاحیت اجتماعی و بلوغ احساسی بسیار بالا برخوردارند و برای آنها ارتباط دلبستگی به مادر با صلاحیت اجتماعی در بین همسالان قوی تر از پسران است. این دختران در برخورد با همسالان تعاملات مثبت داشته و برای پیوند جویی با آنها تلاش می‌کنند و مورد توجه و احترام دوستان خود هستند. در بین دختران با دلبستگی ناایمن، رفتارهای منفعل، ناسازگاری، گوشه‌گیری، مطیع بودن و نادیده گرفته شدن دیده می‌شود و اغلب از طرف همسالان طرد می‌شوند.

1-Lafreniere, P.J.

2-Sroufe, L.A.

- لوی^۱ (۲۰۰۰) در اثر خود به اهمیت حیاتی دلبستگی هیجانی کودک به مراقبت‌کننده و بالعکس در تحول اجتماعی- هیجانی اشاره کرده و بیان می‌کند که دلبستگی مناسب می‌تواند در توانایی فرد برای احساس و بیان عشق، تحول اخلاقی، انگیزش برای موفق شدن و احساس هویت اثر بگذارد. لوی تأکید می‌کند که جوامع صنعتی جدید با موج تازه‌ای از مشکلات دلبستگی مواجه‌اند.

- آلن^۲ و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهشی تحت عنوان "دلبستگی و استقلال به عنوان پیش‌بینی‌کننده رشد مهارت‌های اجتماعی و جرایم در دوره نوجوانی" که بر نمونه‌ای متشکل از ۱۲۵ نوجوان در دوره سنی ۱۸-۱۶ سال (۶۲ دختر و ۶۳ پسر) انجام شد، نشان داد سبک دلبستگی ایمن، پیش‌بینی‌کننده افزایش مهارت‌های اجتماعی از سن ۱۶ تا ۱۸ سالگی است و برعکس سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا، پیش‌بینی‌کننده رشد فزاینده جرایم در طول همین دوره است. همچنین نوجوانان با این سبک دلبستگی، در صورت داشتن مادرانی با سبک تربیتی بسیار خودمختار، کاهش بیشتری را در مهارت‌های اجتماعی و افزایش جرم نشان دادند و احتمال خطر بیشتری برای کجروی در این نوجوانان وجود دارد.

پژوهش‌هایی نیز که در ایران صورت گرفته است، رابطه عواملی چون میزان جدایی کودک از مادر در سنین اولیه کودکی با کیفیت دلبستگی کودک، مادر و نیز مشکلات بعدی روابط بین فردی فرزندان را نشان می‌دهد.

خانجانی (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه جدایی‌های موقت روزانه و نشانه‌های مرضی مادر با شکل‌گیری دلبستگی و بروز مشکلات رفتاری،

1 -Levy, T.M.

2 -Allen, J.P.

اجتماعی در سطح پیش دبستانی" که بر نمونه‌ای متشکل از ۲۰۸ زوج مادر، کودک از مناطق متوسط اقتصادی- اجتماعی شهر تهران انجام شد (کودکان با طیف سنی ۴-۰ ساله) نشان داد که کودکانی که در سنین پایین‌تر به طور روزانه از مادر جدا می‌شوند، نسبت به کودکانی که در سنین بالاتر از مادر جدا می‌شوند، بیشتر در معرض خطر دلبستگی نایمن قرار دارند. همچنین کودکانی که مادرانشان دارای احساس نایمی و اضطراب شدید هستند، نسبت به کودکانی که مادران آنها از احساس ایمنی و اضطراب کم برخوردارند، بیشتر در معرض خطر دلبستگی نایمن قرار دارند.

دهقان طرازجانی (۱۳۷۶) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی کیفیت دلبستگی کودک، مادر و ارتباط آن با رشد مهارت‌های اجتماعی" نشان داد که کیفیت دلبستگی کودک، مادر (دلبستگی ایمن- دلبستگی نایمن) با رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان رابطه مثبت بالایی دارد و متغیر دلبستگی در پیش‌بینی واریانس رفتارهای پیوندجویی، همکاری، عدم همکاری، نادیده گرفتن و پرخاشگری در تعامل با همسالان سهم زیادی را به خود اختصاص می‌دهد.

گلی‌نژاد (۱۳۸۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه تهران" که با حجم نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ نفر از دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه تهران (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) انجام شد، نشان داد که میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای سبک دلبستگی ایمن از میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) به صورت معناداری کمتر است. همچنین میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای

سبک دلبستگی اجتنابی از میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای سبک دلبستگی دوسوگرا به صورت معناداری کمتر است.

شریفی (۱۳۸۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی" نشان داد که آزمودنی‌هایی که دارای سبک دلبستگی نا ایمن دوسوگرا و اجتنابی هستند، بیش از آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن از مکانیسم‌های دفاعی رشد نایافته و نوروپیک استفاده می‌کنند.

در پژوهشی که مطالعه می‌کنید ضمن بررسی وضعیت جمعیت‌شناختی خانواده‌های دختران فراری به عنوان یک آسیب اجتماعی، به دنبال یافتن پاسخ سؤالات ذیل است:

- سبک‌های دلبستگی دختران فراری و والدین آنها چگونه است؟
- آیا رابطه‌ای بین سبک‌های دلبستگی دختران فراری با مادرانشان وجود دارد؟
- آیا رابطه‌ای بین سبک‌های دلبستگی دختران فراری با پدرانشان وجود دارد؟
- چه تفاوتی بین توزیع سبک‌های دلبستگی دختران فراری با توزیع سبک‌های دلبستگی در جامعه بهنجار وجود دارد؟
- آیا علائم و نشانه‌هایی از اختلال دلبستگی واکنشی برجامانده از دوران کودکی در گروه دختران فراری مشاهده می‌گردد؟

فرآیند روش شناختی

طرح پژوهشی حاضر از نظر اهداف پژوهشی، طرحی کاربردی و از نظر اجرا جزو طرح‌های پس‌رویدادی از نوع همبستگی محسوب می‌شود.

الف- جامعه آماری و افراد مورد مطالعه :

جامعه آماری این پژوهش را مجموع دختران فراری ۲۲- ۱۴ ساله مراجعه‌کننده به مراکز وابسته به بهزیستی، کانون اصلاح و تربیت و مجتمع قضایی ارشاد تشکیل می‌دهد که ۵۰ نفر از مراجعه‌کنندگان مراکز فوق به همراه والدین آنها (۲۵ مادر و ۲۲ پدر) به روش نمونه‌گیری هدفمند مورد آزمون قرار گرفتند.

ب- ابزار پژوهش

در پژوهش جاری علی‌رغم استفاده از پرسشنامه دموگرافیک، از مقیاس دلبستگی بزرگسال و مصاحبه بالینی نیز استفاده شده است که مختصراً به توضیح آنها می‌پردازیم.

۱- مقیاس بازنگری شده دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰)^۱ (RAAS):

این مقیاس که به روش خود، گزارش‌دهی، شیوه مهارت‌های ایجاد ارتباط و دلبستگی‌ها را ارزیابی می‌کند، مشتمل بر ۱۸ ماده است که بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت ارزیابی صورت می‌گیرد و بر اساس تحلیل عوامل سه زیرمقیاس شش ماده‌ای را مشخص می‌کند که عبارت‌اند از:

- وابستگی: میزانی را که آزمودنی‌ها به یکدیگر اعتماد می‌کنند و به آنها متکی می‌شوند به صورتی که در مواقع لزوم قابل دسترسی‌اند اندازه‌گیری می‌کند.

- نزدیک بودن: میزان آسایش مرتبط با صمیمیت و نزدیکی را اندازه‌گیری می‌کند.

- اضطراب: ترس از داشتن رابطه در ارتباط‌ها را می‌سنجد.

کولینز و رید بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازن و شیور، در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را

1- Revised Adult Attachment Scale

تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس نزدیک بودن با دلبستگی ایمن، زیر مقیاس وابستگی با دلبستگی ناایمن اجتنابی و زیر مقیاس اضطراب با دلبستگی ناایمن دوسوگرا مطابقت دارد. در پژوهشی که بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری نوجوانان در ایران صورت گرفته است، (پاکدامن، ۱۳۸۰) ضریب آلفای کرونباخ برای هر زیر مقیاس (نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب) به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۲۸، ۰/۷۴ محاسبه شده است. قابلیت اعتماد این پرسشنامه نیز با استفاده از روش آزمون، آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو، اجرا تعیین شد. نتایج که با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر اجرا شده بود، تفاوت معناداری را بین دو اجرا نشان نداد. این آزمون با ۹۵٪ اطمینان قابل اعتماد است.

۲- مصاحبه بالینی

به منظور بررسی اختلال واکنشی دلبستگی برجامانده (RAD)^۱، از مصاحبه مبتنی بر DSM IV-TR^۲ استفاده شده است. این مصاحبه جهت به‌کارگیری یادآوری تاریخچه وقایع زندگی نوجوان به منظور واریسی بیشتر برجاماندگی نشانه‌های اختلال واکنشی دلبستگی RAD یا نشانه‌های اختلال دلبستگی، مورد استفاده قرار گرفته است و ریخت‌های بازداری شده و بازداری نشده (RAD) مورد نظر قرار گرفته است. زمان مصاحبه آزاد و بدون محدودیت برای پاسخگویی آزمودنی در نظر گرفته شده و مصاحبه در یک جلسه برای هر آزمودنی انجام می‌گیرد. در این مصاحبه اطلاعات مربوط به خاطرات جدایی و وقایع آزار دهنده، احساس رضایت یا عدم رضایت آزمودنی از دوره کودکی آزمودنی، احساس آزمودنی در مورد جدایی یا طرد شدگی (چه به‌صورت واقعی

1- Reactive Attachment Disorder

2- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder

و چه صرفاً بر اساس برداشت آزمودنی)، نوع ایجاد ارتباط و آرایه اطلاعات از طرف آزمودنی، حالات وی، آهنگ بیان و ... مورد ثبت و بررسی قرار می‌گیرد به‌منظور دستیابی به اطلاعات نظام‌دار که هم برای موارد فردی و هم برای توصیف اطلاعات در مورد گروه می‌تواند سودمند واقع شود، سیستم کدگذاری به صورت دو ارزشی (بله یا خیر، راضی یا ناراضی) بوده و به‌صورت رتبه‌ای به‌گونه‌ای کدگذاری شده که رتبه بالاتر احتمال نزدیک‌تر بودن به زمینه‌های اختلال دلبستگی را بیشتر نشان می‌دهد.

ویژگی‌های خانوادگی دختران فراری

برخی از ویژگی‌های خانوادگی نمونه مورد بررسی عبارت‌اند از:

- ۲۶٪ پدران و ۸۷٪ مادران نمونه مورد بررسی در قید حیات نبودند و ۵۹/۲٪ والدین آنها نیز جدا از هم زندگی می‌کردند. همچنین ۲۵٪ دختران فراری با والدینشان و ۴۵/۸٪ با دوستان، آشنایان و سایر افراد دیگر زندگی می‌کردند.
- ۲۸٪ دختران فراری فرزند اول، ۳۲٪ فرزند دوم، ۱۸٪ فرزند سوم خانواده هستند.

- ۲۴٪ دختران فراری از خانواده‌های پرجمعیت هستند (شش نفر به بالا) و ۲۰٪ آنها نیز از خانواده‌هایی با دو فرزند هستند.

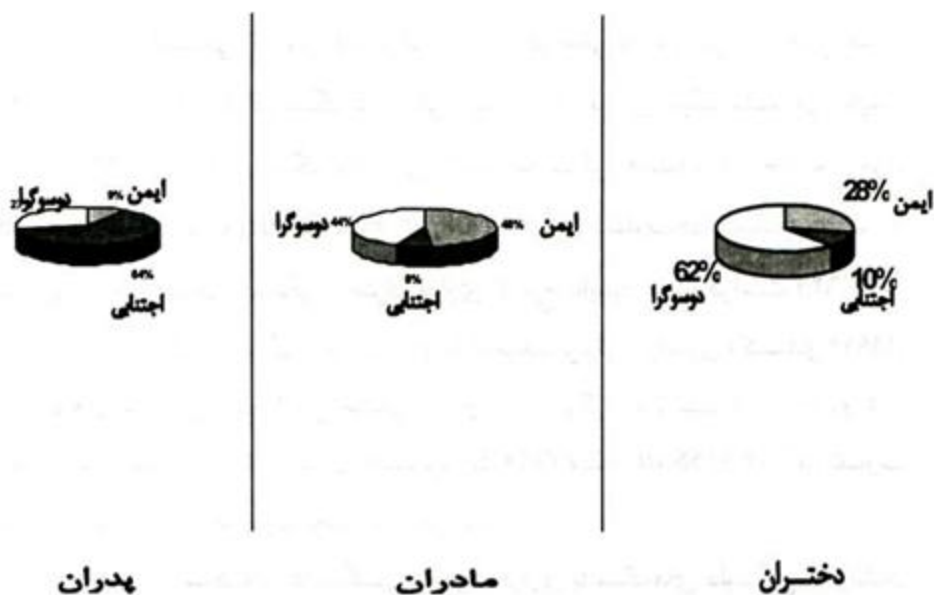
الف) فرضیه‌ها

فرضیه اول: «درصد سبک‌های دلبستگی ناایمن در دختران فراری بیش از درصد سبک‌های دلبستگی ایمن در آنهاست.»

جدول ۱- فراوانی و درصد سبک‌های دل بستگی دختران، مادران و پدران

درصد تجمعی	درصد اعتباری	درصد	فراوانی	سبک دل بستگی	
۱۰۰	۲۸	۲۸	۴	ایمن	دختران
۷۲	۱۰	۱۰	۵	ناایمن اجتنابی	
۶۲	۶۲	۶۲	۳۱	ناایمن دوسوگرا	
-	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	جمع کل	
۱۰۰	۴۸	۲۴	۱۲	ایمن	مادران
۵۲	۸	۴	۲	ناایمن اجتنابی	
۴۲	۴۴	۲۲	۱۱	ناایمن دوسوگرا	
-	۱۰۰	۵۰	۲۵	جمع کل	
۱۰۰	۹/۱	۴	۲	ایمن	پدران
۹۰/۹	۶۳/۶	۲۸	۱۴	ناایمن اجتنابی	
۲۷	۲۷/۳	۱۲	۶	ناایمن دوسوگرا	
-	۱۰۰	۴۴	۲۲	جمع کل	

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بیشترین درصد سبک دل بستگی دختران فراری، مربوط به سبک دل بستگی ناایمن دوسوگرا (۶۲٪) است در حالی که تقریباً نیمی از مادران آنها دارای سبک دل بستگی ایمن (۴۸٪) و نیمی دیگر دارای سبک دل بستگی ناایمن دوسوگرا (۴۴٪) هستند. سبک دل بستگی غالب در پدران نیز ناایمن اجتنابی (۶۳/۶٪) است.



نمودار ۱- الگوی دلبستگی دختران، مادران و پدران

جدول ۲- مقایسه توزیع فراوانی سبک‌های دلبستگی دختران فراری با جامعه بهنجار (ایران)

سبک دلبستگی	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده
ایمن	۱۴	۲۸/۹	-۱۴/۹
ناایمن اجتنابی	۵	۹/۴	-۴/۴
ناایمن دوسوگرا	۳۱	۱۱/۶	-۱۹/۴
جمع کل	۵۰		

جدول فوق بیانگر مقایسه فراوانی سبک‌های دلبستگی دختران فراری با دانشجویان دانشگاه تهران است. (گلی‌نژاد، ۱۳۸۰) در آن تحقیق ۶۲/۵٪ دانشجویان دارای سبک دلبستگی ایمن، ۲۲/۵٪ دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و ۱۵٪

دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا بودند. درحالی که در این پژوهش صرفاً ۲۸٪ دختران فراری دارای سبک دلبستگی ایمن، ۱۰٪ دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، ۶۲٪ آنها دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا هستند. با توجه به آزمون کاسکوئر انجام شده ($\chi^2 = 42/08, df = 2, P(0/001)$) تفاوت‌ها معنادار است و بیشترین درصد سبک دلبستگی دختران فراری از نوع ناایمن دوسوگراست (۶۲٪). در مقایسه الگوی دلبستگی دختران فراری با تحقیقات برترتن^۱، رایدوی و کسیدی (۱۹۹۱) که سبک‌های دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا به ترتیب ۶۵٪، ۲۰٪ و ۱۵٪ به دست آمده است، با اجرای آزمون کاسکوئر ($\chi^2 = 68/58, df = 2, P(0/001)$) تفاوت معنادار است، بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: «سبک‌های دلبستگی دختران فراری با سبک‌های دلبستگی مادرانشان همبستگی مثبت دارد.»

جدول ۳- رابطه بین فراوانی سبک‌های دلبستگی دختران با مادرانشان

جمع کل	دلبستگی مادران		سبک دلبستگی	
	ایمن	ناایمن		
۸	۸	۰	فراوانی	
۸	۳/۸	۴/۲	فراوانی مورد انتظار	ایمن
۱۷	۴	۱۳	فراوانی	
۱۷	۸/۲	۸/۸	فراوانی مورد انتظار	نا ایمن
۲۵	۱۲	۱۳	فراوانی	
۲۵	۱۲	۱۳	فراوانی مورد انتظار	جمع کل

بر اساس نتایج جدول کالسکوئر فوق ($\chi^2 = 12/74, df = 1, P(0/001)$) بین سبک دل‌بستگی دختران فراری با سبک دل‌بستگی مادرانشان ارتباط معناداری وجود دارد و مقدار این ارتباط حتی با اصلاح فیشر در سطح $P(0/001)$ نیز معنادار است. به عبارت دیگر اکثر دختران فراری با سبک دل‌بستگی ناایمن دارای مادران ناایمن هستند و در مقابل دختران ایمن دارای مادران ایمن هستند. همچنین ضریب توافقی محاسبه شده ($C = 0/58$) از مقدار بحرانی جدول همبستگی در سطح ($\alpha = 0/01$) و ($df = 24, df = 24$) بیشتر است. بنابراین فرضیه دوم تحقیق را که بیانگر وجود ارتباط مثبت و مستقیم بین سبک دل‌بستگی دختران با مادرانشان است می‌توان با ۹۹٪ اطمینان تأیید کرد.

فرضیه سوم: «میان سبک‌های دل‌بستگی دختران فراری با سبک‌های دل‌بستگی پدرانشان رابطه معناداری وجود دارد.»

جدول ۴- رابطه بین فراوانی سبک‌های دل‌بستگی دختران با پدرانشان

جمع کل	دل‌بستگی پدران		سبک دل‌بستگی	
	ایمن	ناایمن		
۸	۱	۷	فراوانی	ایمن
۸	۷	۷/۳	فراوانی مورد انتظار	
۱۴	۱	۱۳	فراوانی	نا ایمن
۱۴	۱/۳	۱۲/۷	فراوانی مورد انتظار	
۲۲	۲	۲۰	فراوانی	جمع کل
۲۲	۲	۲۰	فراوانی مورد انتظار	

با توجه به آزمون کالسکوئر انجام شده ($\chi^2 = 0/17, df = 1, P(0/001)$) ارتباط معناداری بین سبک دل‌بستگی دختران با سبک دل‌بستگی پدرانشان وجود ندارد. با استفاده از اصلاح فیشر نیز ارتباط معناداری بین سبک دل‌بستگی دختران فراری با پدرانشان مشاهده نشد. همچنین

ضریب توافق محاسبه شده ($C=0/08$) نیز از مقدار بحرانی جدول همبستگی از سطح ($\alpha = 0/05$) و ($df=9, P=0/40$) کمتر است. بنابراین فرضیه سوم تحقیق که بیانگر وجود ارتباط بین سبک دلبستگی دختران با سبک دلبستگی پدرانشان است، تأیید نمی‌شود.

ب) نتایج حاصل از مصاحبه بالینی

همانطور که قبلاً اشاره شد این مصاحبه جهت به‌کارگیری یادآوری تاریخچه وقایع زندگی آزمودنی‌ها به منظور واری بیشتر برجا ماندگی نشانه‌های اختلال واکنشی دلبستگی RAD یا نشانه‌های اختلال دلبستگی مورد استفاده قرار گرفته است. در این مصاحبه ۳۳ نفر از آزمودنی‌های مورد نظر شرکت نموده‌اند.

جدول ۵- نتایج آزمون Z برای مقایسه نسبت پاسخ‌ها در دوران کودکی آزمودنی‌ها

سؤالات	گروه‌ها	پاسخ	فراوانی	نسبت مشاهده شده	نسبت مورد انتظار	سطح معناداری
جدایی از والدین	گروه ۱	بلی	۲۱	۰/۶۴	۰/۱۴	* ۰/۰۰
	گروه ۲	خیر	۱۲	۰/۳۶		
	کل		۳۳	۱۰۰		
جدایی از دوستان	گروه ۱	بلی	۲۰	۰/۶۱	۰/۲۶	* ۰/۰۰
	گروه ۲	خیر	۱۳	۰/۳۹		
	کل		۳۳	۱۰۰		
اتفاق آزاردهنده در محیط خانه	گروه ۱	بلی	۲۸	۰/۸۵	۰/۴۲	* ۰/۰۰
	گروه ۲	خیر	۵	۰/۱۵		
	کل		۳۳	۱۰۰		
مسئله آزاردهنده خارج از محیط خانه	گروه ۱	بلی	۱۳	۰/۳۹	۰/۱۱	* ۰/۰۰
	گروه ۲	خیر	۲۰	۰/۶۱		
	کل		۳۳	۱۰۰		
نارضایتی از کودکی	گروه ۱	بلی	۲۳	۰/۷۰	۰/۲۸	* ۰/۰۰
	گروه ۲	خیر	۱۰	۰/۳۰		
	کل		۳۳	۱۰۰		

* با ۰/۹۹ اطمینان معنادار است.

۶۴٪ آزمودنی‌ها سابقه جدایی از مادر (شخص دلبسته) یا پدر را داشته‌اند. همچنین ۶۱٪ آنان به دلایل مختلف همچون تغییر محیط زندگی، مدرسه و ... جدایی از دوستان را تجربه کرده‌اند. مسائل آزار دهنده در محیط خانه و خارج از آن به ترتیب ۸۵٪ و ۳۹٪ در زندگی دختران فراری به‌وقوع پیوسته است که با توجه به آزمون آماری Z به‌عمل آمده برای مقایسه نسبت‌ها، نشانه‌های بالینی دلبستگی واکنشی برجامانده در نمونه مورد بررسی با ۹۹٪ اطمینان معنادار است. همچنین همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ۷۰٪ دختران فراری به‌طور کلی از دوران کودکی خود ابراز نارضایتی داشته‌اند که این میزان در سطح ۰/۹۹ اطمینان معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که احتمال برجاماندهی این اختلال از دوران کودکی به دلیل عدم وجود مداخلات درمانی لازم در آن دوران، وجود داشته است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

* سبک دلبستگی دختران فراری با جامعه بهنجار تفاوت معناداری دارد. در این پژوهش، بیشتر دختران فراری دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا (۶۲٪) بودند و سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و ایمن به ترتیب ۱۰٪ و ۲۸٪ بود، درحالی‌که در مطالعات قبلی در ایران محققین چون گلی‌نژاد (۱۳۸۰) و شریفی (۱۳۷۹) سبک‌های دلبستگی بزرگسالان در ایران را در سه مقیاس ایمن، ناایمن اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۶۲/۵٪، ۵۳/۲٪ SE، ۲۲/۵٪، ۱۵/۳٪ AV و ۱۵٪ و AM: ۳۱/۵٪ به‌دست آورده‌اند. در تحقیقات خارجی نیز الگوی دلبستگی مشابه ایران است. هازن و شیور (۱۹۸۷) در آمریکا و برترتن (۱۹۹۱) در اروپای شمالی درصد سبک‌های دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا در آزمون‌های بزرگسال را به ترتیب ۵۵٪، ۶۵٪ SE، ۲۵٪، ۲۰٪ AV و ۲۰٪، ۱۵٪ AM به‌دست آورده‌اند.

فرار دختران از منزل یکی از آسیب‌های جدی اجتماعی است که به دلیل احساس نایمنی در محیط زندگی فرد، صورت می‌گیرد. والدین این نوجوانان به‌عنوان اولین و مهمترین انگاره‌های دلبستگی آنان، کفایت و شایستگی لازم را در ایفای نقش و وظایف خود نداشته‌اند. از این رو نوجوانان با سبک دلبستگی نایمن (صمیمیت کم و اضطراب بالا در ارتباطات) در ابراز عواطف خود نسبت به انگاره‌های دلبستگی و حتی سایر افراد، عملکردی توأم با عدم کنترل شدید عواطف و بازداری از ابراز هیجانات منفی خود دارند. (فنی رنولر، ۱۹۹۹) در پژوهش آن و همکاران (۲۰۰۲) الگوی دلبستگی در نوجوانان را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده سطوح تحول مهارت‌های اجتماعی و رفتار خلاف‌کاری در طول دوره میانی نوجوانی مورد بررسی قرار دادند. همچنین سازماندهی دلبستگی نوجوان و مادرش در تعامل با یکدیگر نیز مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد سبک دلبستگی ایمن، پیش‌بینی‌کننده افزایش مهارت‌های اجتماعی از سن ۱۶ تا ۱۸ سالگی است و برعکس سبک دلبستگی نایمن دل‌مشغول (دوسوگرا) پیش‌بینی‌کننده رشد فزاینده جرایم در طول همین دوره است. همچنین نوجوانان با این سبک دلبستگی در صورت داشتن مادرانی با سبک تربیتی بسیار خودمختار، کاهش بیشتری را در مهارت‌های اجتماعی و افزایش جرم نشان دادند و احتمال خطر بیشتری برای کجروی در این نوجوانان وجود دارد.

در ایران پژوهشی که توسط گلی‌نژاد (۱۳۸۰) به منظور بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه تهران انجام شد، نشان داد که میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای سبک دلبستگی ایمن از دانشجویان دارای سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) به‌صورت معناداری بیشتر بود. بنابراین با توجه به یافته‌های به‌دست

آمده در پژوهش جاری که بیشترین درصد الگوی دلبستگی دختران فراری از نوع نایمن دوسوگراست، خود بیانگر وجود مشکلات بین فردی و احتمال بیشتر بروز آسیب‌های اجتماعی در این گروه است.

* همچنین پژوهش حاضر نشان می‌دهد که الگوی دلبستگی دختران با الگوی دلبستگی مادرانشان رابطه مستقیم دارد. در این پژوهش با توجه به کاسکوئر محاسبه شده ($p < 0/01$, $df=1$ و $x^2=0/17$)، رابطه بین سبک دلبستگی دختران با مادرانشان معنادار است، به عبارت دیگر مادران ایمن دختران ایمنی خواهند داشت و بالعکس (میزان ضریب توافق $0/58$ است)، درحالی‌که این ارتباط با سبک دلبستگی پدران معنادار نبود ($C=0/8$) بنابراین فرضیه سوم تأیید شده ولی فرضیه چهارم تأیید نمی‌شود. این تحقیق با یافته‌های ون ایجنزن درن^۱ (۱۹۹۹) و کورکورن، فیلیپس و پدرسن (۲۰۰۱) که میزان هماهنگی و همبستگی الگوی دلبستگی دختران را با مادرانشان تأیید نموده و میزان آن را $r = 0/75$ محاسبه نموده‌اند، مطابقت دارد. البته در برخی مطالعات نیز هیچگونه رابطه معناداری بین الگوی دلبستگی والدین با فرزندان‌شان مشاهده نشده است. (ولینگ^۲ و همکاران، ۱۹۹۸)

دربارۀ تفاوت ارتباط والدین با نوجوانان دختر و پسر نیز تحقیقاتی انجام گرفته، که نتایج این تحقیقات بیانگر این است که تفاوتی در ارتباط پدر و مادر با نوجوانان دختر و پسر در جنسیت فرزندان نیست، بلکه این تفاوت مربوط به جنسیت والدین آنهاست. (به نقل از اشتین برگ^۳، ۱۹۹۹) نوجوانان (اعم از دختر و پسر) گرایش بیشتری به ارتباط با مادر دارند و احساس راحتی و صمیمیت

1- Van IJzendoorn, M.H.

2- Volling, B.L

1- Steinberg, L

بیشتری با مادر می‌کنند. همچنین درگیری و نزاع نوجوانان با مادر بیشتر از پدر است، اما این تعارضات ارتباط بین نوجوانان و مادر را به مخاطره نمی‌اندازد و با اطمینان می‌توان گفت که ارتباط نوجوان با مادر یک ارتباط عاطفی است که این گرایش هم مثبت است و هم منفی. (ریچارد و لارسون، به نقل از معظمی گودرزی، ۱۳۸۰) در واقع کیفیت دلبستگی کودک، مادر عامل بسیار مهمی در تعاملات بین فردی کودک در سنین بعدی محسوب می‌شود، همانطور که در مطالعات لفرنیر^۱ و سروف (۱۹۸۵) نشان داده شد که دختران با دلبستگی ایمن از صلاحیت اجتماعی و بلوغ احساسی بسیار بالا برخوردارند و برای آنها ارتباط دلبستگی به مادر با صلاحیت اجتماعی در بین همسالان قوی‌تر از پسران است. این دختران در برخورد با همسالان تعاملات مثبت داشته و برای پیوندجویی با آنها تلاش می‌کنند و مورد توجه و احترام دوستان خود هستند. در بین دختران با دلبستگی نایمن، رفتارهای منفعل، ناسازگاری، گوشه‌گیری، مطیع بودن و نادیده گرفتن دیده می‌شود و اغلب از طرف همسالان طرد می‌شوند.

* بر اساس مصاحبه بالینی انجام شده، رگه‌هایی از نشانه‌های بالینی اختلال دلبستگی واکنشی بر جا مانده از دوران کودکی مانند جدایی از انگاره دلبستگی به دلایلی چون مرگ یکی از والدین، طلاق، سابقه تنیدگی‌های حاد و پس‌ضربه‌ای مانند مواجه شدن با حوادث آزاردهنده (سوء استفاده جسمی و جنسی و ...) در محیط خانه یا خارج از آن، احساس طردشدگی از خانه و جامعه و ... در نمونه مورد بررسی مشاهده شده است. مطالعات قبلی نیز مؤید پژوهش حاضر است. به‌عنوان مثال همانگونه که در پژوهش وایتبک^۲ و همکاران (۱۹۹۷) به وضعیت

1- Liferiere, P:Y, sroufe
2- Whitbeck, L.B.

خانواده‌های نوجوانان فراری اشاره شده است، «سطوح پایین مراقبت و حمایت والدین از نوجوانان» و همچنین سطوح بالای «طرد والدین» و انواع خشونت فیزیکی از مهمترین عوامل مؤثر فرار دختران از خانه محسوب می‌شود. زمینه‌های بدرفتاری در خانواده و همچنین استقلال زودرس نوجوانان، آنها را وادار می‌نماید تا به منظور حمایت‌های خاص به جایگزین‌ها تکیه کنند. (بانو¹ و همکاران، ۲۰۰۰) همچنین در پژوهشی تحت عنوان «بررسی متقابل سوگیری کارکرد خانواده با کنش فرار دختران» که رستم‌خانی (۱۳۸۱) انجام داده، یافته‌ها نشان می‌دهد که دختران فراری متعلق به خانواده‌هایی هستند که مادر نقش خود را در قالب «محبت مشروط» که نوعی از سوگیری ناسالم است، ایفا می‌کند و تحت تأثیر مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی با فرزندان دختر خود همچون ابزار رفتار می‌کرده است. در این خانواده‌ها پدر نماد قدرت بوده و نه تنها تکیه‌گاه عاطفی و اقتصادی برای فرزندان دختر محسوب نمی‌شود، بلکه با استفاده از قدرت جسمی و مشروعیت قانونی و عرفی خود در جامعه به سلطه‌جویی علیه دختران دست زده و با فحاشی، هتک حرمت و ضرب و جرح دختران در خانه و استفاده از برچسب‌ها و ارزیابی‌های منفی از توانایی‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی دختران موجب شده که دختر در خانواده احساس آرامش و امنیت نکند و به دنبال جایگزین مناسب برای پدر، به ایجاد رابطه با جنس مخالف گرایش پیدا کند و همنشینی با دوستان پسر را بر خانواده و پدر ترجیح دهد.

* کیفیت دلبستگی کودک به والدین، بخصوص مادر، نه تنها تعاملات بین فردی او را در آینده تعیین می‌کند، بلکه نوع و مدل رابطه فرد با خداوند را نیز به عنوان یک رفتار مذهبی در آینده مشخص می‌سازد. یافته‌های پژوهش‌های عرضی،

1- Bao, W.N.

مقطعی به حمایت از "فرضیه‌های مطابقت" تمایل دارند. مطابق این فرضیه، تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند که ادراکات از خدا به طور مثبت با ادراکات از خود و ترجیح دادن والدین همبستگی دارد. (کیرک پاتریک^۱، ۱۹۹۹) نتایج این یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد ایمن در مقایسه با افراد اجتناب‌گر، به خداوند به عنوان کسی که بیشتر دوست‌داشتنی است، فاصله کمتری با آنها دارد، و کمتر کنترل‌کننده است، نگاه می‌کنند. افراد اجتناب‌گر نسبت به آنهایی که دلبستگی ایمنی‌بخش دارند، تعهد - مذهبی کمتری نشان می‌دهند. افراد مضطرب - دوسوگرا نسبتاً بیشتر رفتارهای مذهبی افراطی نظیر دعا کردن را گزارش کرده‌اند. (کیرک پاتریک، ۱۹۹۹) این نتایج از این موضوع حمایت می‌کند که الگوهای ذهنی دلبستگی نسبتاً ثابت می‌مانند و باورها در مورد چهره‌های دلبستگی (در برگیرنده خداوند) انعکاس تجربه قبلی با روابط دلبستگی است. کیرک پاتریک (۱۹۹۹، در همان منبع) اظهار می‌کند که این فرضیه می‌تواند با در نظر گرفتن بُعد زمان انسجام پیدا کند و در برهه‌ای از زمان، دلبستگی ایمنی‌بخش به خدا پیوند می‌یابد، به این معنا که، به نظر می‌رسد مردم الگوهای مشابه روابط انسانی و خدایی را نگه‌داشته‌اند.

قرآن کریم نیز با بیان زندگی زنان بزرگی چون همسر عمران، مریم، آسیه، یوکابد، هاجر و ... لزوم توجه به نقش مادری و اهمیت آن را در تربیت فرزندان متذکر می‌شود. "خانه خدا"، این مهمترین مأمّن انسان‌ها در جهان نیز یادآور تولد مردی بزرگ در طول تاریخ است که خداوند فرشتگان خود را برای یاری رساندن مادر این بزرگوار؛ فاطمه بنت اسد؛ می‌فرستد تا به همه مسلمین جهان مقام بلند مادری را یادآور شود. اساساً "آداب و مناسک حج"، این زیباترین

1- Correspondence
2- Kirk Patrick, L.A

نمایش سالانه اتحاد ملل و انسجام جهانی اسلام، با نقش مادری پیوند خورده است! کمی تأمل در آداب و مناسک حج نیز نشان می‌دهد که در طواف خانه خدا، "مطاف"، حجر اسماعیل است

شگفتا! طواف خانه خدا با دامان مادر پیوند خورده است!! در اعمال حج، با هر آیینی از سنی و یا شیعه، نمی‌توان دور خانه خدا بدون حجر اسماعیل طواف کرد. از طرف دیگر در سعی بین دو کوه صفا و مروه، لحظه به لحظه یادآور تجلی شکوه ایثار مادری هستیم که برای رفع نیاز فرزندش به‌طور دائم در تلاش است... گویی دلبستگی کودک به مادر همان الگوی دلبستگی فرد به خداوند است.

* با توجه به مباحث فوق، اهمیت نقش مادران در تربیت فرزندان به وضوح مشخص می‌شود. بنا به اعلام سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۶) به دلیل نقش محوری مادران در خانواده، بیشترین برنامه‌های آموزشی، درمانی این سازمان در سراسر جهان اخیراً بر روی زنان متمرکز شده است. در غالب کشورهای توسعه‌یافته، آموزش مهارت‌های زندگی، مشاوره‌های پیش از ازدواج، مشاوره‌های دوران بارداری برای مادران جهت آماده‌سازی آنان با وظایف و نقش مادری، مرخصی‌های زایمان برای پدران به منظور توجه و رسیدگی بیشتر به همسرانشان، تشکیل کانون‌های شناسایی و پیشگیری از اختلال دلبستگی حتی در بیمارستان‌های محل زایمان همراه با آموزش مادری به نومادران، از جمله تمهیدات ارزشمندی بوده است که به منظور ایجاد دلبستگی‌های ایمن در خانواده‌ها و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه نقش بسیار مهمی داشته است. امید آن است که در کشور ما نیز با تدوین برنامه‌ها و قوانین خاص حمایتی برای زنان و مادران در خانواده، شاهد سلامتی و شکوفایی هر چه بیشتر استعدادها و توانمندی‌های نسل جدید در جامعه خود باشیم.

منابع

- ۱- پاکدامن، شهلا، (۱۳۸۱)، "بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طبیبی در نوجوانی"، پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه تهران.
- ۲- خانجانی، زینب، (۱۳۷۸)، "بررسی جدایی‌های موقت روزانه و نشانه‌های مرضی مادر با شکل‌گیری دلبستگی و بروز مشکلات رفتاری، اجتماعی در سطح پیش دبستانی"، پایان‌نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه تهران.
- ۳- دانشیان، م، (۱۳۷۸)، "بررسی ارتباط دلبستگی به والدین و همسالان با شیوه‌های مقابله با فشار روانی و عزت نفس"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران.
- ۴- دهقان طرازجانی، ناهید، (۱۳۷۶)، "بررسی کیفیت دلبستگی کودک-مادر و ارتباط آن با رشد مهارت‌های اجتماعی (تعامل با همسالان) در کودکان پیش دبستانی شهر تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران.
- ۵- رستم خانی، م، (۱۳۸۱)، "بررسی متقابل سوگیری کارکرد خانواده با کنش فرار دختران"، خلاصه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد ماه.
- ۶- رضازاده، محمدرضا، (۱۳۸۱)، "مهارت‌های ارتباطی و همسازی زناشویی"، پایان‌نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- شریفی، ماندانا، (۱۳۸۰)، "بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه تهران.
- ۸- کاپلان، هارولد، سادوک، بنیامین، (۱۹۹۸)، "خلاصه روانپزشکی"، جلد سوم، ترجمه حسن رفیعی و فرزین رضاعی (۱۳۷۸)، انتشارات ارجمند، چاپ اول.
- ۹- معظمی گودرزی، بهمن، (۱۳۸۰)، "بررسی تأثیر تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های مقابله‌ای (حل مسئله) بر میزان تنیدگی و شیوه‌های مواجهه دختران فراری"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۰- همز، جرمی، (۱۹۹۳)، "نظریه دلبستگی: مبنای زیست‌شناختی روان‌درمانگری"، ترجمه محمدعلی بشارت، (۱۳۷۹)، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۴.

- 11- Ainsworth, M (1989). "Attachment beyond infancy". American Psychologist. 44, 709- 716
- 12- Allen, J.P., Marsh, P.,McFarland, C.,McElhaney,& Land, D. J. (2002). "Attachment and Autonomy as Predictors of the Development of social skills and Delinquency during Midadolescence". Journal of consulting and clinical psychology. V70, No 1, P.56-66.
- 13- Bao, W. N., whitbech, L. B. & Hoyt, D. R. (2000). "Abuse, Support, and Depression among Homeless and Runaway Adolescents." Journal of family therapy.
- 14- Bretherton, F. (1991). "Roots and Growing Points of Attachment Theory". In Attachment Across The life cycle (eds) In C.M. Parkes, J. Stevenson-Hind & P.Marris. London: Routledge.
- 15- Bowlby, J. (1989). "Attachment and loss" vol. 2. Separation , anxiety and anger, New york. Basic Books
- 16- Collins, N.L., & Read, S. J. (1990). "Adult Attachment, Working Models, and relationship quality in dating Couples." Journal of Personality and Social Psychology, 58, 644-663
- 17- DSM IV TR (2000) . **Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder**, Fourth Edition, Text Revision . American Psychiatric Association .
- 18- Feeney.J.A.,& Noller, P.(1991). "Attachment Style and Verbal Descriptions of Romantic partners". Journal of social and personal Relationships, 9, 187-215
- 19- Feeney, J. A. (1999). "Adult Romantic Attachment and Couple Relationships" In J. Cassidy & P. R. Shaver (eds.) Handbook of attachment theory, research, and clinical applications. London, The Guilford Press.
- 20- Kirk Patrick, L.A.(1999). "Attachment and Religious Representations and Behavior." In:Cassidy, J.& Shaver, P.R.(1999). Handbook of Attachment. Theory, Research, and clinical Applications. The Guilford press New york. London
- 21- Lafreniere, P.J., Sroufe, L.A.(1985). "Profiles of peer competence in Preschool: Interrelations between Measures, Influence of social Ecology, and Relation to Attachment Hestory". Developmental psychology, V 21, N(1), P 56-69.
- 22- Steinberg, L.(1999). "Adolescence". USA. McGraw Hill, Companies, Inc.

23- Van IJzendoorn, M.H.& Sagi, A (1999). "Cross-Cultural Patterns of Attachment: Universal and contextual demensions". In J.Cassidy P.R.Shaver (Eds). Handbook of Attachment Theory, Research, and clinical Applications. London. The Gilford Press.

24- Volling, B.L., Notaro, P.C.& Larsen, J.J. (1998). "Adult Attachment styles". Journal of family Relations, V 47 n4, P.355-67.

25- Whitbeck, L.B., Hoyt, D.R. & Ackley, K.A.(1997). "Families of Homeless and Runaway Adolescents: A Comparison of Parent/Caretaker and Adolescent perspectives on parenting, Family Violence, and adolescent conduct." Child Abuse Negl. Jun: 21(6): 517-28.

26- W.H.O.(1996). *Life skills education , planning for research – division of mental health & prevention of substance abuse* : Geneva